مقاله‌ی موروری
چکیده
مرگ‌ مغزی از موضوعات متداول در جامعه ما می‌باشد و ممکن است بخاطر مفاهیم دیگری چون کارور و بعضی موضوعاتی نیز شیب مزایجر شود. جهت بررسی وضعیت حقوقی مرگ مغزی از لحاظ استحکام فقهی بر فرد مبتلا به مرگ مغزی مرسد است. این امر به این جهت خوبی است که بر اهمیت موضوع هم از نظر حقوقی و هم حقوقی استفاده و جواب به تمام این سوالات باز می‌گردد به تعریفی که از مرگ مغزی داخلی و خارجی که آیا مرگ مغزی را مصداق گذاشتن روح از جسم می‌دانیم با خبر؟

تحقیقات بسیاری از موضوع شده است و حتی در حقوق بسیاری از کشورها و ادیان از جمله مسیحیت و بهود سال‌های مطرح و رفع ابهام شده است. ولی در ایران هنوز فرد مبتلا به مرگ مغزی را زندگی می‌پندازند. که جای دارد مانند بسیاری از کشورهای متفرق از لحاظ پزشکی (انگلیس، آلمان، فرانسه و آمریکا) مرگ مغزی را مرگ قطعی و آن را در کشوران ایالات متحده نگارند. و در بررسی موضوع از نظر فقهی و حقوقی و رفع ابهام از آن داشته است.

واژگان کلیدی: مرگ مغزی، مرگ قطعی، خواتین متصرف و غير متصرف، مرگ بیولوژیک

اطلاعات انتقالی: ارک. کویر، رضوی، خیابان حافظ، کوچه گلستان 2، پلاک 121، صندوق پستی: 38119191231، تلفن: 09188881636، Email: oghab2159@yahoo.com
مقدمه
قبل از آنکه به موضوع این نوتیک پرداخته شود ضرورت دارد برای توی و پیراستگی بهتر بستر بحث پارهای از مباحث مقدماتی به اختصاص توضیح داده شود؛ از این رو مطالعه مانند اهمیت موضوع، انگیزه انتخاب آن، روش تحقیق، پرسش‌ها، فرصت‌ها و نیازی مباحث مورد نظر به ترتیب زیر عنوان می‌گردد:
الف- هم‌ارجاع موضوع تحقیق
با اذعان داشت که یکی از پیچیدگی‌ترین موضوعاتی که بشر از اندیشای خلاقیت با آن مواجه بوده و هست و در مقاله آن همواره اظهار عذر و ناوانی می‌کند، مسئله معرف معرف است. به صورتی که امر معرفی تعریف موفقی از جانجعیت پژوهان و مخصوصاً متخصصان معرق و اعضا تغییر اساسی کرده است و مقوله‌های بنام معرف مخرج شده است. مناسفانه در حال حاضر متوسط امروز کشور ما در مرجع ماغری سال بین 3 تا 6 هزار نفر است (1) و باید توجه داشت این کم‌بیشتر بیشتر توزیع آن در افق موفقیون معرفی، سعی دوی ایجاد را در خیال‌های روزه می‌گذراند. باید توجه داشت که همین عوامل که می‌توانند معنی اصلی دارک اقدامی پیوندی باشد، چرا که به تحقیق معقداند اعدادی که از متون‌های معرفی‌خوانده اخیر می‌شود، برای پین‌دار نامناسبی باشد. لذا باید پرسش‌های اهداف عضو بعد از این معرف، جایگزینی آن کرد (2).
ب- پرسش‌های تحقیق
دریاب بررسی موضوع سوالاتی جنب مطرح است که با ساختم حاصل از آنها در ادامه مقاله می‌تواند راه‌اندازی باشد. این معرفی همان معرفی قطعی و مصداق جداسازی
ر- آیا مرجع ماغری می‌تواند مصداق عنوان معرفی
ب- آیا مرجع ماغری می‌تواند مصداق عنوان معرفی
غیرمستقر در مفهوم ذیل ماهیت
اسلامی باشد؟
بیان روح و جسما چون نسبت میان جهان و صندوق محل تهیه‌داران آن می‌دانند. که اگر جهان را از آن خارج کنیم صندوق به ارزش شده، کاری‌گاشته می‌شود. می‌فهمایند: همانند روح با بدین یکی نمی‌شود، و در آن داخل نمی‌گردد و همانند یک گونه‌بردین بدین احاطه می‌کنند، هنوز اگر روح نمی‌یابد و لازم نیست در این بیان و لازم نیست در این بیان که کمال آلیه‌ها می‌باشد. محتوای (۵).

بنابرگزاری دیگر، روح آن هنگام که به بدن تعلق می‌گیرد با آن مندید می‌شود و عین عین بدن و عین عین نفس است و این احاطه‌ای، انسان به موجود آنی انتسابی متوجه می‌گردد. صرفه‌رشتی از چگونگی ارتباط میان روح و جسم، فناور انتساباتی ماهی بدنی انسانی با تعلق گرفتن روح به بدن حاوی می‌شود. از دو روایت زارات (۶) و سهیل بن مسیب (۷) چنین بر می‌آید که انسان دارای دو جسم یا دو روح است: روح یا قلبی که از صلب بدن و روح مادی ریشه (حیات سلولی) و روحی که روح حیات و قلب آن می‌شود و گاه از آن به روح عقلی (حیات انسانی) یاد می‌کنند (۷، ۶).

بررسی مبانی مقر در تنشخرب میزی انسان موچودی است که از دو به مادی و غیر مادی، جسم و روح. ترکیب پایه است. درباره چگونگی این ترکیب دو نظر وجود دارد، یکی به یک نظر، که فیزیک از دانشمندان مذهب تشیع به‌خوبی آن را شرح داده است، حقیقت انسان همان جهان ملکوتی و بعد روحی اومت و یا تولد ترک تعلق صورت گرفته و دیگر دلیل برای رجوع به عقاید ارامش رقصید (حیات مستقر) نمی‌باشد.

آزمایش صورتی: است که به بعد تعلق داشته، تعلقی از روی تدبر و تصرف، اعلان از روحی که از جهان و هنرمند و کونه از عالم ارواح مجرد، مقیاسی به‌خوبی و تعلقی به‌خوبی، تعلقی و تصرفی، قائم بودن، غیر محبت‌الله در یافته و قوا و (۴). بنابراین، روح را نمی‌توان حس کرد ولی وجود آن را نمی‌توان با آن نسبت که بر خود رسیده می‌گذارد درک کرد؛ آثار چنین: جوان هومنیاری، قدرت تنفسی، حواس، نظر، تعلق و... می‌باشد، موارد این آثار، روح تفسیر و تدوین جدید که بر بدن قلع، دیگر قابل بروز نسبت بر جسمی ندارد و در این زمان است که مقر بیولوژیکی صورت می‌گیرد. مورد قنین برداشته سخن امام صادق (ع) است، ایشان پس از آنکه نسبت
همانطور که خداوند روا را در یک زمان در گالیبو انسان
دمیده است، در یک زمان هم ان را استیفا می‌نماید. خداوند
در آیات قرآن کریم، به بیان جامع مطابق روا را غیر مادی
معرفي می‌نماید؛ چنانکه به پیامبر (ص) می‌فرماید: «از ثور
حقیقتی روح، را به هر کسی، بنگر روح از هر سنگ امر خداوند
است‌آ، و» جالبی در معرفی امر خداوند مردمی می‌گوید. ام‌رضا
وقتی زنی را خواسته، این است و بیان کرده‌ایم، شوآ: آن
چیزی را وسیع، و مکاتوب هر انسان است‌آ.»

مفتی‌ها و انسان‌هایی که از این است‌آ، از آینده است. روح به
حقیقتی جز زمین خدا ندارد مادی نیست و در وجود
خود باقی ماندی را که تدریج و زمان و مکان است،
نیست.»

بررسی مرگ مفهوم در حوزه قضا و موقف مستقر و غیر

مستقر

در آغاز یاد داد که امکان‌های مالی از جمله
موضوعات مختلف را پر شده است و به ناجی در خصوص
فقهات و این شده است. ویکی که برای مولفه‌ای مرگ
مطابق با مولفه‌ای مسئله‌ای به‌نام «حقایق غیرمستقر» که از
کلمات در قدمی طرح به دست به ایشان اشاره دارد. از این جهت
می‌توان ارتباطی میان موضوع مرگ مفهوم‌یا متن‌های فقهی
برقرار نمود. شایان همین موجب فتح با به نحوی نگرش
به این مسئله مستند به گرد (11) فقها در برابر مزین ادوم نوع
حقایق مرگ‌داندان و آثار فقهی متفاوتان برای آن دو
برنامهرسانی: حقایق مستقر و حقایق غیر مستقر (12). این
مطالب در برخی از ابزار فقهی نظر ارث و صنایع، جنایت و
ذنج مطابق می‌تواند.

علاوه بر حقایق مستقر و غیر مستقر؛ در تماس میان دو
پایدار و حقوق نابایداپذیر، معماری‌ای ذکر شده است، که می‌توان
۲۶
محمد رحمتی و مکاتبان مطالعه‌ی مرگ مفهومی از منظر فقه و حقوق جزا
محل کتلر اعمال اراده بدین است، به تخمین این بخش از
موزیک‌ای امکان و وجود که بدن با دستگاه‌های تهیه
مکاتبی برای مدت طولانی فعالیت داشته باشد (8). ولی
بخش دیگر، بخش باینی مفهوم است که محل استقرار ساقه
موزیک و اعمال اراده بدین مانند شرایط قلب، گردش
خون و فعالیت احساسی داخلی (کلیه، کبد و معده و... را کنترل
می‌کند. تخمین این بخش از موزیک، به سبب ترکیب می‌باشد
سیب نارسایی در ارسال پاسخ الکترونیک به سوال‌هایی واقع در
سطح کلیه، کبد، قرنیه و ساپر از این رایه‌ها که به صورت
غیر اراده فعل می‌شود، می‌شود. در نهایت، این ارگان‌ها غیر
فعال، و در نهایت به سبب می‌شود (9) که با سکوت
ممت و وابستگی به نارسایی در ایجاد مشکلات و مشکلات
العملی تعیین جسمی، پوستی، حلقه‌های و غیره که با
صرف وقت و دقت زیاد تخلیه می‌باشد، مهم‌است.

در تعریف سنی مرگ، معیار از کار افسانه‌ای مفهوم غیر متولد
نیست. شور: در قدیم هیچ روایتی برای تشخیص مرگ مفهوم
وجود نداشته است. به معنی که سوال‌هایی از این تردید و سوال‌هایی
مکاتبی برای حفظ عملکرد قلب و لیه‌ها در اختیار نبوده
است. نتیجه‌گیری، شرایط قلب و کارکرد غیر متولد به هم
واستند که قطع هرکس از آن‌ها بحثی از خارج
وضعی توقف دیگری ظرف ۴ دقیقه خواهد داشت و علاوه بر
چون توقف جریان خون و اعمال تنفسی، انسه و ثابت ماندن
مردمکها در هو چشم و از زمین امتحان الکترونیکی قلب
و مزلع میان انها (10). مرگ مفهومی همان مفهومی و
اثار آن را خواهد داشت: بیانی از مرگ غیر قابل برگشت
سوال‌های ساقه مغز و دیگر مشابهی که قطع هم‌ینکشی
تعلق روح از بدن می‌شود. به صورت کلی حیات انسان نیاز به
دو مقدار دارد که به روح به بدن و دیگری زندگی
پایدار سوال‌های ساقه مغز و دیگر مشابهی که این دو مقدار لازم
و ملزم به نگهداری است و با نبوغ هر کدام حیات انسان محقق
نیست. شور.

جدای شدن روح عقیده از بدن یکپاره صورت می‌گیرد.

۱ قرآن کریم، سورة انس، آیه ۸۵
۲ قرآن کریم، سورة الکافرون، آیه ۱۱۷
۳ قرآن کریم، سورة الباس، آیه ۸۳

Downloaded from ijme.tums.ac.ir at 17:57 IRST on Monday January 6th 2020
بسط معمایه‌های حیات مستقر

زمان نمی‌تواند معمایی برای تعیین استقرار حیات باشد از آن جهت که زمان حیات امروز است غیر قابل ضبط و نتها حضرت علام الغپه به آن علم دارد. بنابراین، چگونه می‌توان آن ارائه نمود که نیا حیاتی ناگهان دارد است یا در کمتر از یک ثانیه خواهد مرد. علم پزشکی با بهره‌گیری و استفاده از پیشرفته‌ترین ابزارها نیز قادر به چنین تشخیصی نبوده، نه تنها می‌تواند تخمين‌هایی بزرگ که معمولاً محقق به صحبت نیست، به عنوان دلیل برخی از زیک‌ها در معماری زمان برای تشخیص و تعیین حیات تردید کرده‌اند (۲۰). حکمران هم نمی‌توانند علامت‌ها برای تشخیص بقای حیات باشد. همچنان که فقدان آن هم دلیل بر نبوغ حیات نیست. چه ممکن است تعقیب حکمران در بدن انسان به‌وسیله تأثیر عواملی فیزیکی که شیوع‌بران آن باشد؛ همچنان که به‌دن مرضیان به‌وسیله از بین رفتن صحت ارتجاع، مقداری حکمران می‌کند و انسان هم که به حالت انتفا و چگونه می‌روید، گاه سال‌ها بعد حکمران باقی می‌ماند. بنابراین، حکمران معماری مناسبی برای تشخیص بقای حیات نیست.

بسط معمایه‌های حیات مستقر

برای یک انسان و حتی یک حیوان از نظر حالات حیات سه وضعیت متغیرگان وجود دارد: اقدام: حیات مستقر؛ ب: حیات غیر مستقر؛ ج: مرگ قطعی که هر یک حالات مربوط به خود را دارد.

حال از میان اینه سه وضعیت مختلف مسالهی حیات غیرمستقر از ویژگی‌ها و چیزهای خاص برخوردار است؛ چرا که این وضعیت واسطه و حید فاصله از حیات معقول و به‌طور خاص ویژگی‌های طبیعی که به ویژگی‌های فیزیکی و ذکری احکام آن: حیات غیر مستقر عبارت است از قرار گرفتن فرد در

معمار اوین: قابلیت با یک جمله علامات حیات است؛ ولی مدت استمرار این قابلیت مورد اختلاف است و از نصف روز تا یک ماه متوسط می‌باشد. علامه حیات در این خصوص می‌تواند: آنچه می‌تواند اثر می‌کند، قابلیت زیر‌تر یا برتر است و در حیات غیر مستقر دیگر از یک روز کامل می‌توان فرموده و تعیین این حیات مستقر، چنان می‌تواند آن عالمه امروز و امیرا و یافته مستقیموی می‌تواند یافته جوان باعث اعمال متغیره است (۱۳).

معمار دور- حالات جسمنی: در تشخیص حالات پایدار از حیات ناباید می‌توان به بزگان از حیات مستقر یافته کرد. این حالات را می‌توان در درن اعمال خاصه پذیرید: ادراک و حکمران اعتبار (۱۴). حکمران قوت و خروج خون (۱۵).

معمار سوم- زمان و حالات جسمنی: طبق نظر بخیه، قوت و زمان و از این اندازه می‌تواند: جنان‌های بقای از خیال، حیات مستقری داشته باشد. حالات این حکمران از قرای قوی و زندگی این روز باشد با این ذیاب از خروج هر حالات شک و ویژگی قوی ندیده (۱۶). نداده‌نشته باشد با این ذیابی و خروج این حالات ندیده چون مرده. محصول می‌شود، اما ذیاب و قابل قبولی این ندیدن حیات مستقری و علامات آن نمی‌تواند حکمراندی قوی‌ش، بخش، الیوی، خیال آنها که ذیاب و چنین نکن در حیات مستقر. چون قوی‌ش، می‌تواند که این آنستند: (۱۷).

معمار چهارم- صدای عالی: بخیه این عنوان ها که قدر جدید، عرف، میزان و مساله تعیین حالات پایدار است (۱۸). فاضل هنوز از این خصوصی می‌تواند: ممکن است به آنچه بخیه یافته دارای حالات می‌باشد، حیات مستقر اطلاع شود، اگرچه بعد از لحظه‌ای صدای، (یکنون است عاری از استقرار، ممکن است به خود را دارد ،)
باستداشت فرد اول، قائل محسوب می‌شود و باید دیویکش در به‌دید
و فرد دوم باید تعیین شود و از انتظار احکام جانی به وارد بر
جین توسعه شخص دوم، احکام می‌یابد که حمله است.

در رابطه با احکام افت برد جنی، که یکی از شرط
مذکور بر این است که جنی زنده تولدشود و از شرط زنده بودن
در وضعیت احکام مستقر قرار داشته باشد و اگر هنگام تولد
دارای حرکتی بوده، ولی این حرکت و حرکه مفتونی و
تعیین مبیوت (شکست ذبح شده) باشد، جنی دیگر احکام
وی مستقر نمی‌یابد انت نمود. به‌عوایی، جنی که
هنگام تولد دارای حیات غير مستقر است که حکم جنی زنده
از نظر آر افت برد جنی نمی‌شود، جنی در حکم میرده
است. در همین رابطه، معنی انت افت برد جنی در کتاب و وابستگ
شیعه باید وجود دارد با این عناوین که (آن حمله بر و
یک داده قبلاً خود حکمی را به جنی اختیاری
و.warn من، داده می‌شده که جنی انت میره و
ارات مگادار در حالتی که زنده تولدشود و زنده بودن
با حرکت اختیاری و ارادی شناخته می‌گردد و در غیر این
صورت انت نمود (25) و در این مورد (حافته ذکر شده
است که یکی از آنها حمیدی از امام صادق (ع) از قول
بردارشان است که هنگامی که ظلمی بهداشت آباده از
روی اختیار حکمی که هر می‌بیند و از این مگادار.
(ب) تحترم مولود اختباری‌یا بر وی‌یا

بر این اساس، قانون گذار ماده 377 قانون مجازات
اسلامی را به شرح ذیل توضیح نموده است: هرگاه جرایشی
که نفر اول وارد کرده، مجزوح را در حکم میرده قرار دهد و
نیا آخرين رماد حقیقی در این باقی بماند و در این حال دیگری
کاری را انجام دهد که به باقی یا باید یکدیگر اولیه قصاص
می‌شود و دومی دیگری جانی بر میرده را یکی‌زاده از
مجمع دیده‌ها مذکور در تحریک الولسه و ماده مقرر

نتایج ذیل قابل استنباط است:
1- حیات مورد حمامیت شریع و قانون حیات مستقر است.
و حیات غير مستقر ماده 377
نابایدار (غیرمستقر) باید می‌شود به منظور حل مشکلی بوته است که فهما با آن روبرو بوده‌اند؛ بی‌عیب ظهور برخی از علاطم حيات در موجودی که قابلیت بقا و ادامه زندگی است. بیش از دویست و پنج می‌تواند عمل جداگانه و قطع ارتباط روح از بدن عمل است. در تمرکز باعث ظهور آثار و علائم بوته (۳۳). آثاری که از یکسری بازگر بقای حیات نیستند، از این جهت که بدن قابلیت خود را برای تعلق روح از دست داده است، از سویی بهانگر بقای حیات هستند. چون ارتباط روح و جسم هم به نام قطع نده است. ولی به حکم اندیشمند ایرانیان این نظر وارد است: نیک ویکی‌نیک بیان‌دهنده اندیشمند باشد. در یک زمان روح در بدن هست و اطلاع حیات بر دست نمی‌آید و در یک زمان روح از بدن خارج است و اطلاع لفظ مرد بر آن می‌شود. روح امری دایمی است. امری غیر مواز و مجرد است و معنی را در دوک و حس کرد. این آثاری است که می‌توان آن در کنی به عیان از حیات غیرمستقر داشته باشد حکم همان‌گونه ذیش شده‌ها را دارد که عمل جانی دوم تأثیری در موقع قتل نخواهد داشت. (۳۴) با استناد به نظر می‌رسد که مرگ مغز مقدسی یازم در قتل عملی به دو صورت است: مرگ قطعی و مرگ نسبی که حیات غیرمستقر است و مرگ مغزی مقدسی از آن حساب می‌آید. به‌جهت این‌طور که عونان نیست که در ادامه مقاله تشریح می‌شود مرگ مغزی به شکل قطعی و اصلاً در فرد حیاتی باید نیمنی‌آی به خواهر در حوزه حیات مستقر یا غیرمستقر آن را طرح کنیم.

شمول مرگ مغزی در حوزه حیات مستقر و غیرمستقر

یکی از مفهوم‌ها که مرگ مغزی را در حوزه حیات مستقر دانسته و فرد متلاطم به مرگ مغزی یا شخصی دارای شخصیت حقوقی و یارا از اقلام نیست و مرگ قطعی خارج می‌داند در این رابطه می‌نویسد: «التفاوت به وجود حالت واسطه میان مرگ و زندگی واقعی، که از آن به حیات...»
عمر فقها، آن یا حیات غیرمستقر نامیده است و مثالی عونان کوده که اگر مغری را از تین جدا کرد و رها کنیم، می‌تواند مدتی بوده؛ یا اگر انسان در حال راه رفتن از بدن جدا شود، مدت زمانی به حکم خود ادامه می‌دهد.

ولی این مثال در این که این انسان زندگی است چون حکم دارد، قابل استناد نمی‌باشد. این بمعنای وجود روح عقوله که مبنا حیات انسانی است، نمی‌باشد. این همان حیات سلولی است، یعنی با ترک روح (عقلی) از بدن یکسری از اعضاء، روح‌شناس تدریجاً جدا می‌شود و حیات سلولی (عمالی قلب در پیمار خون، ریش درننس) تدریجاً زوال یافته می‌کند. به همین اساس است که محکم اولیه در اینکه حکمات وخروج خون از علامات حیات باشد تردید نموده است و می‌نوید: «قطع اعضایی که باعث مرگ انسان می‌شود، بدن را از قبلتلی تعلق روح در آن خارج می‌سازد» ولی به‌نظر می‌رسد بدن مرده قبلتلی تعلق روح را دارد. ولی استمرار قبلتی در حال بیان باقی است و شاید در عرض جد ثالثی خانه‌ای صاحب جوهر در مقدم اشکالی می‌فرماید: اگر در حال حیات کامل‌اند از بدن خارج شده است، جراحی که روح از این زمانی که شروع به جدا شدن از بدن می‌کند باز زمانی که کامل‌اند از جد ان جدا می‌شود به بدن خود تعلق و ارتباطی ضعیف دارد، ولی نگرانی این اشکال را وارد نمی‌داشته که به وجود روح در اعیان انسان به معنای وجود روح عقلی که لاشهی حیات است، نمی‌باشد و به‌نظر می‌رسد که نمی‌توان در موارد غیرمستقر داستان زیبا جراحی غیرمستقر مربوط به موجودی است که برخی از علامات این حیات در وی موجود است. گرچه بدن قبلتلی ادامه حیات ندارد.

در قانون مجازات اسلامی و قفقاً، به‌نظر پراوران مزگی نشده است و از آخر مستند به شمار می‌رود. با توجه به مطلب عنوان شده، وضعیت مرگ بیتلتان به مرگ مزگی شبه متوسط است و در صورتی که مرگ مزگی تیپ دوم ایراد ضرب و جرح از سوی فردی به عمد و به‌قصیده قتل نالد و وضعیت
عمل پیوند صورت نخواهد گرفت.

رشایت ولی میت و توجه به وصیت پیام به قدری حائز اهمیت است که بدون آن اعضا به فرد مجهول الهیه را نمیتوان اهداد کرد و داشتن کارت پیوند اعضا از سوی فرد صرفاً نمایی فرد در اهداف عضو بعد از مگر است. حقوق و مسئولیت‌های پسرکت و بیمار در نظام فکری - ارزشی پیشک امر مهمی است که بر رعایت اصول اخلاقی تأثیر زیادی می‌گذارد. احترام به اختراع فرد (اتونومی)، خودداری از پدر سالاری صرف از سوی پسرکت و استفاده از ظرفیت و توان روحی فرد و ولی وی برای تصمیم‌گیری‌های لازم، یک فراند مهم در حضوری بحث است (۱۹۱).

پنابرد، همانطور که عنوان شد مگر مغزی صرفاً مگر فلسفی اعلام نشد و صرفاً به مقوله پیوندهای اعضا این افراد اشاره شده است و اصولاً بر اساس مقوله احکام زیاهی حقوقی بسیاری مورد شد که تمامی آنها در مورد مشابهان به مگر مغزی نیز لازم‌الاجرا می‌باشد. که وضع قانونی مجزا که تماسی این موارد را پیش بینی کرده باشد لازم است. در ارتباط با موضوع استفانتانی از مراجع محتوم تلقی محروم صورت گرفته است که صرفاً به مقوله پیوندهای اعضا از متفاوتان مغزی برداخته شده است، که در این مبان نیز اتفاق نظر وی ندارد. برخی چون (آیت. اموسیه خمینی، مکارم شیرازی، خامه‌ی ، نووری هم‌مانی) بر جواز پیوند عضو از مشابهان به مگر مغزی نفوذ داده و برخی دیگرمانند (آیت. آیت‌الله، فاضل لنکاری، صافی گلابی‌کنی، میرزا جواد آغا تبریزی) بر عدم جواز آن فتوی داده‌اند.

نتیجه‌گیری

برای تنبیه مفهوم مگر مغزی ناگویسی آن را در قابلیکی از حالت مگر حیات قرار دهیم. جوانی و مگر دو پدیده و جوانی خداوند هستند که معیار تمیزی این دو، عقله و ارتباط میان روح و جسم است؛ جانشینی این عقله و ارتباط از مبان برود سبب فوت انسان مگرد.

روح تصرف و سلطه‌ای خود را بر دنیا از راه سلول‌های

عقلیه اخلاص و تاریخ پزشکی

علی‌الیه مغزی عمل می‌نماید: به‌گونه‌ای که هرگونه تحمل
در تمام حرف‌گزاری و پیوند چند سرب نقل و
جنس می‌شود. به‌کار سلول‌های مغزی گالب تریم
می‌باشد و در صورت تحمل، بازگشت آنها غیر ممکن
است و چون سلول‌های مغزی محل بروز انحراف صرف روح بر
جسم‌های با مگر آنها، روح نیز دیگر مخلع برای نسل‌بر
بدن داشته و قابل جسم را ترک می‌کند و مگر قطبی
صورت‌های گرفته‌هی، هر چند پردازش برای استفاده‌ی بهتر
از اعضا، پیوندهای مغزی به کمک دستگاه‌های تهیه
مکانیکی به صورت موقتی و عده‌ای چند عضو فرد را چون
قلب‌‌شکر، قلبی‌چشم و... باز زنده نگه می‌دارند و لی
احیاء، چند عضو فرد، به صورت موقتی، نمی‌توانند دلیل بر بقای
حقای کلیت بدن باشد.

ملاک حیات انسان، حیات عقلی است، هن جوانی سلول‌ی و
مگر با خروج روح عقلی صورت می‌گیرد هن چند سلول‌های
چند عضو زنده و دارای روح باشد. آنچه برای اینگونه در حکم
نیم‌‌ البلاد به وقوع‌ی مراکز عقلی آیهان، فرع و قطع کامل به
مفارقات روح از جسم است.

برخی حقوق‌دانان مگر مغزی را در حیاتی حیات مستقر
و بی‌خیال در حیاتی حیات غیر مستقر می‌دانند. ولی بر اساس
می‌رسد مگر مغزی در هیچ‌یک از حیاتی‌های مذکور قرار
نگیرد. مگر مغزی، مگر قطبی است و اصلاً حیاتی در فرد
می‌باشد. نتیجه‌ی ما باید به نتیجه‌ی آن را کشف کنم و در
حیاتی حیات مستقر و غیر مستقر بررسی نماییم. در جوان
مفهوم حیات غیر مستقر بینن عنوان شده است: قرار گرفتن
فرد در وضعیتی که با خاطر صدمات جسمانی وارد و شرایط
بینی ناشی از ان دیگر اسنانین حیات وی موجود نیست. پایین
به یک اصل توجه داشت و آن فقدان روح عقلی است که
معیار حیات می‌باشد.

نشک و قدردانی

در پیان از استاد محترم آقای دکتر حکیم فردوحادی
معاونت آموزش دانشگاه علوم پزشکی که باند را در کنی
مطابق مرجعی و مکانی: مطالعه مزیت‌های منظر فقه و حقوق جزا

مقدمه
1- ملکزاده ر. آمار مزیت در تصادفات مجله تربیت
1387; دوره 7: ص3.

2- Shemie SD. Clarifying the paradigm for the ethics of donation and transplantation: was 'dead' really so clear before organ donation? Philos Ethics Humait Med 2007; 2: 18.

3- آقایی نیا ح. جرایم عليه اشخاص، تبریز: اول تهران: نشر مهرمان; 1384، ص 55.

4- مجله م. ب. بیماران. بیروت: موسسه الوفا؛ 1403، ص 58.

5- ابن بابوه م (شیخ صدری). عمل الشرایع. قم: مکتبه الداوی؛ 1386، ص 56.

6- کلینی مزایی، م. الکافی، تبریز: دارالکتب الاسلامیه؛ 1365، جلد 1، ص 132-136.

7- کلینی رازی م. الکافی، تبریز: دارالکتب الاسلامیه، 1365، جلد 7، ص 34.

8- سماعیزاده م. پزشکی قانونی، تبریز: انتشارات پزشکی قانونی؛ 1383، ص 192.


10- گودرزی ف. پزشکی قانونی، تبریز: انتشارات پزشکی قانونی؛ 1385، ص 143.

11- پورجوهاری ع. پوند اعضاء در آینه فقه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، 1382، ص 209-89.


13- حکیمی. قواعد الاحکام. قم: انتشارات آیت‌الله المرعشی المحقق، 1425، جلد 2، ص 336.

14- خویش ف. تکمله المنهج. لبنان: نشر بروت؛ 1367، جلد 2، ص 112.
مجله اخلاق و تاریخ پزشکی

15-الطوسی م (شیخ طوسی). المسوط في فقه الإمامی. به تحقیق الیهودی م. ب. قم: نشر المكتبه المرتضویه مطبوعی الحبدی، 1351، جلد 1، ص 116.

16-الطوسی م (شیخ طوسی). المسوط في فقه الإمامی. به تحقیق الیهودی م. ب. قم: نشر المكتبه المرتضویه مطبوعی الحبدی، 1351، جلد 4، ص 124.

17-حقی. السرایر. قم: انتشارات آیت‌الله المرعشعی النجفی: 1425 ه. ق. جلد 2، ص 108.

18-حسینی آ. مفتاح الكرامه في شرح قواعداللامه. به تحقیق الخالصی م. ب. قاهره: موسسه آل البيت، 1388 ه. ق. جلد 8، ص 46.

19-ابراهیم م (افضل الہندی). کشف اللثام. قم: موسسه النشر الإسلامی، 1350، جلد 2، ص 175.

20-الطیبیی غ. روایت المسائل. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1362 ه. ق. جلد 2، ص 253.

21-نجمی. جواهر الكلام في شرح شرایع الإسلام. به تصحیح استادی. تهران: مكتبه الإسلامی، 1340 ه. ق، جلد 36، ص 58.

22-موسی خمینی. تحریرالوسیله. تهران: نهم، قم.